

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه جن

استاد ضرابی

جلسه نهم ۱۴۰۲/۱/۲۷

آیات شریفه: «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أَضَعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا (۲۴) قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (۲۵) عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا (۲۶) إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (۲۷) لِّيَعْلَمَ أَن قَدْ أُبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (۲۸)» - [باش] تا آنچه را و عده داده می شوند ببینند آنگاه دریابند که یاور چه کسی ضعیفتر و کدام يك شماره اش کمتر است (۲۴) بگو نمی دانم آنچه را که و عده داده شده اید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی نهاده است (۲۵) دانای نهان است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند (۲۶) جز پیامبری را که از او خشنود باشد که [در این صورت] برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت (۲۷) تا معلوم بدارد که پیام های پروردگار خود را رسانیده اند و [خدا] بدانچه نزد ایشان است احاطه دارد و هر چیزی را به عدد شماره کرده است (۲۸)

ملک ارزش، صورت یا سیرت، باطن یا ظاهر!

« حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أَضَعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ... » : از آنجا که آخرت باطن دنیاست، بر این اساس، هر امر واقعی، اعم از عالم و آدم و ... ، دارای این دو شأن هستند. علوم ظاهری در پی شناخت ظاهر عالم هستند، علوم معنوی الهی علاوه بر ظاهر به باطن اشیاء نظر دارد. عالم شهادت، محسوس و مادی است و عالم غیب، غیر محسوس و مجرد است. مرز دین داری و بی دینی، ایمان به عالم غیب است و مؤمنان کسانی هستند که علاوه بر جهان محسوس به عالم غیب ایمان دارند؛ خدا، فرشتگان، وحی، حیات پس از مرگ و همه حقایق نامحسوس عالم آخرت: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (بقره/۳) از این رو دنیا و آخرت هر دو مورد توجه اهل ایمان قرار دارد. علم ظاهر علم تن است و علم باطن علم دل که راه وصول به آن صافی کردن دل است.

اگر انسان بداند و رای ظاهری که می بیند چه خبر است (... رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ...)، در ارزیابی دارائی های خود (از عده و مده)، دچار اشتباه نخواهد شد. بنابراین یا باید به اخبار پیام آوران صدیق الهی اعتماد کند یا آنکه علاوه بر آن، اهل شهود باطن بوده، حقایق را آن طور که هست ببیند. مردی مهمان امیرالمؤمنین علیه السلام شد، حضرت یک تکه نان خشک و کاسه ای که در آن مقداری آب باشد طلبید ، حاضر کردند، حضرت آن کاسه را جلو مهمان نهاد و قطعه ای از آن نان را در میان کاسه گذاشت، و به مهمان فرمود : بخور ، مهمان آن نان را بیرون آورد و ناگاه دید ران بریان شده پرنده است ، آن را خورد، امیرالمؤمنین علیه السلام بار دیگر قطعه نان خشکی در میان آن کاسه نهاد و فرمود : بخور، مهمان آن را بیرون آورد ، دید قطعه حلوا است، به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد : ای مولای من ! نان خشک به کاسه می نهی ، ولی من آن را به صورت غذاهای متنوع می یابم! امیرمؤمنان علیه السلام فرمود : آری این نان خشک در ظاهر است ، و آن غذاهای متنوع در باطن است ، سوگند به خدا کار ما همین گونه است. (بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۷۳) ظاهر مرگ فنا و زوال است، اما باطنش بقا و ارتقا. ظاهرش از دست دادن دارائی های فانی دنیاست و

باطنش به دست آوردن نعمت‌های باقی آخرت. ظاهرش محبوس شدن در خاک و گل است، اما باطنش رستن از آب و گل.

جان جمله علم‌ها این است این که بدانی من کیم در یوم دین

چشمی که ظاهر را بدون باطن می‌نگرد، معکوس بین است؛ مرگ را زندگی و زندگی را مرگ می‌بیند و این امر اختصاص به انسان‌ها ندارد، جنیان هم با این که موجودات پنهان از نظر ما هستند ولی نسبت به حقایق ایمانی (حساب و کتاب، برزخ و قیامت) و علوم غیبی که خداوند جز برای بندگان خاص خود از اولیانش مکشوف نمی‌کند، در حجاب‌اند.

سوی شهر از باغ شاخی آورند باغ و بستان را کجا آنجا برند
خاصه باغی کین فلک یک برگ اوست بلکه آن مغز است و این عالم چو پوست

عشق حاصل مشاهده جمال، عاشقان پران تر از مرغ هوا!

«قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوْعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا - خداوند به پیامبرش (ص) می‌فرماید: بگو نمی‌دانم آنچه را که وعده داده شده‌اید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی نهاده است.»:

خداوند دانای حکیم دلیل پنهان نمودن زمان وقوع قیامت را چنین توضیح داده است: «إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى - به یقین قیامت خواهد آمد؛ می‌خواهم آن را پنهان کنم، تا هرکس در برابر سعی و کوشش خود، جزا داده شود.» (طه/۱۵) مگر علم به زمان وقوع قیامت چه منافاتی با سعی و تلاش بندگان دارد؟ امام علی علیه السلام در خطبه بیستم کتاب نهج البلاغه در مورد علت پنهان بودن اسرار پس مرگ می‌فرماید: «آنچه را مردگان دیدند، اگر شما می‌دیدید ناشکیبا بودید و می‌ترسیدید؛ و می‌شنیدید و فرمان می‌بردید. ولی آنچه آنها مشاهده کردند بر شما پوشیده است و نزدیک است که پرده‌ها فروافتد.» و نیز آن حضرت فرمود: «لَوْ رَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَ مَصِيرَهُ، لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَ غُرُورَهُ - اگر انسان اجل و عواقب آن را می‌دید، با آرزو و فریب آرزوها دشمنی می‌ورزید.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۴) امام صادق (ع) درباره علت عدم آگاهی انسان از زمان مرگ و حکمت آن در کتاب توحید مفضل چنین می‌فرماید: «اگر انسان به عمر کوتاهش پی ببرد هیچ لذتی نمی‌برد و با علم به مرگ و انتظار آن زندگی برای او گوارا و شیرین نمی‌شود و اگر به طول عمر خود پی ببرد در دریای لذات و معاصی غرق می‌گردد، او به این امید که در پایان عمر توبه خواهد کرد همواره در راه رسیدن به لذات می‌کوشد. به این ترتیب بهترین چیز همان است که زمان مرگ و مدت عمر پوشیده بماند.»

زان شبی که وعده کردی روز وصل روز و شب را می‌شمارم، روز و شب

بنابراین حکمت و لطف ندانستن زمان وقوع مرگ و قیامت این است که انسان در عمل آزاد بوده، گرفتار هیجان و ترس نمی‌شود. کسی که ساعت آمدن مرگ و قیامت را نمی‌داند، احتمال وقوع آن را در هر زمان و مکان و شرایطی، منتفی نمی‌داند، دائماً آمادگی خود را حفظ می‌کند. اما نه از روی اجبار و وحشت اضطرار که اختیار را از او سلب کند. بلکه با انتخاب و بر اساس اندازه ایمان و تلاش و کوشش؛ در قرآن می‌خوانیم: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَفَّتِهَا إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَاتِبٌ عَلَيْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ - درباره قیامت از تو می‌پرسند که در چه وقت واقع می‌شود؟ بگو: «واقع‌های بس عظیم در آسمان‌ها و زمین است و فقط پروردگار می‌داند و جز او کسی وقتش را نمی‌داند و به طور ناگهان می‌آید» (اعراف/۱۸۷) گویا این مصلحت تا حدی جدی و تعیین کننده است که خداوند اگر بخواهد از علوم غیبی خود شمه‌ای پیامبران و اولیانش را آگاه سازد، پیشگیری‌های محکم و مطمئنی قرار می‌دهد از این رو فرمود: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا

*إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا * لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا - دانای نهان است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند *

جز پیامبری را که از او خشنود باشد که [در این صورت] برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت * تا معلوم بدارد که پیام های پروردگار خود را رسانیده اند و [خدا] بدانچه نزد ایشان است احاطه دارد و هر چیزی را به عدد شماره کرده است.

امام علی (علیه السلام) فرمود: « فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) التَّقَمَّ أُنْزِي فَعَلَمَنِي مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَسَاقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ إِلَيَّ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ (صلى الله عليه و آله) - رسول خدا (صلى الله عليه و آله) در گوشم نجوا کرد و آنچه بوده و آنچه تا قیامت واقع می شود به من آموخت و خداوند آن [علوم] را برای [آگاهی] من، بر زبان پیامبرش جاری ساخت» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۷، ص ۱۲۶)

گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش

تا نباشی آشنا زین پرده رازی نشوی

نکته ها هست ولی محرم اسرار کجاست

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند

یکی از یاران امام باقر (علیه السلام)، از ایشان درباره این سخن خداوند عزوجل: «إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا» پرسید. امام باقر (علیه السلام) فرمود: «خداوند عزوجل، فرشتگانی را عهده دار می کند که اعمال پیامبرانش را ثبت کنند و وی را از امر ابلاغ رسالت باخبر سازند. خدای عزوجل فرشته ای عظیم را از همان زمان به پایان رسیدن دوره شیرخواری آن حضرت، عهده دار وی قرار داد که حضرت را به نیکی ها و اخلاق نیکو هدایت می کرد و وی را از شرّ و پلیدی و اخلاق ناپسند دور می کرد...» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۷، ص ۱۲۶)

بخاطر دارید که در آغاز سوره « قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا » مهمترین بار پیام این آیه شریفه در ضرورت دریافت « ما انزل الله » و فهم و عمل و انتقال درست مفاد آن، نهفته است. که محور اصلی سخن در تمامی سوره می باشد؛ تحقق این امر همانگونه که مشاهده کردید به یاری ملائکه صورت می پذیرد. و دستمایه آن تقوای الهی است. پیامبر (صلى الله عليه و آله) - فرشتگان خادمین ما و خدام دوستان ما هستند، ای علی (علیه السلام)! فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها که گرداگرد آن (طواف می کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند (غافر/۷)، برای آنان که به ولایت ما ایمان آوردند، ای علی (علیه السلام)! اگر ما نبودیم خدا آدم و حوا (علیهما السلام) و بهشت و دوزخ و آسمان و زمین را نمی آفرید و چگونه ما از فرشتگان برتر نباشیم با آنکه در خداشناسی و توحید و در شناسایی پروردگار عزوجل و تسبیح او و تقدیس او و تهلل او بر آن ها پیشی گرفتیم، سپس وقتی خداوند آدم (علیه السلام) را آفرید ما را در صلب او به امانت نهاد به ملائکه دستور داد او را به واسطه تعظیم و گرامی داشت ما سجده کنند، سجده آن ها برای خدا عبادت بود و برای آدم (علیه السلام) احترام و اطاعت، چون ما در صلب او بودیم. چگونه ما از ملائکه برتر نباشیم با اینکه همه آن ها برای آدم (علیه السلام) سجده کردند. » (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۸، ص ۲۵۰)

«خداوند، بندگانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، نوید می دهد (به خدمتکاری ملائکه و حمایت و پشتیبانی آنها از طرف خدا)! بگو من هیچ پاداشی از شما برای رسالتم درخواست نمی کنم؛ جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیت) و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی اش می افزاییم؛ چرا که خداوند آمرزنده و سپاس گزار است». (شوری/۲۳) پیامبر اسلام (ص) چندین مرتبه از طرف خداوند، مأمور شد تا مزد معنوی را - که به نفع خود مردم است «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» از آنها تقاضا کند. (سبا/۴۷) این مزد معنوی نیز در دو تعبیر آمده است. یک بار می فرماید: من

هیچ مزدی نمی خواهیم؛ جز آنکه هر که خواست راه خدا را انتخاب کند: «الّا من شاء ان یتّخذ الی ربّه سبیلاً» (فرقان/۵۷) و یک بار هم می فرماید: «لا اسئلكم علیه اجرا إلّا المودّة فی القربی». بنابراین، مزد رسالت دو چیز است: یکی انتخاب راه خدا و دیگری مودّت قربی (علیهم السلام). رزقنا الله و ایاکم انشاء الله

از پرتو هدایت آل محمد است	گر راه را از چاه باز شناسند رهروان
شرط عمل ولایت آل محمد است	کسب رضای حق به عمل می شود ولی
وصلی الله علی محمد وآله	